

## سانسور و اقسام و روش‌های آن \*

\*\*جمشید معصومی

### چکیده

سانسور یکی از اقداماتی است که حکومتها سعی می‌کنند از طریق آن جلوی بروز و ظهور اندیشه‌های باطل و مضر را بگیرند. چون حجم وسیع اطلاعاتی که به بدنه جامعه تزریق می‌شود فقط به رشد و تعالی انسان کمک نمی‌کند بلکه برخی از آنها حقایق را وارونه جلوه داده و آنها را تحریف می‌نمایند و زمینه انواع و اقسام انحرافات فکری و اخلاقی را فراهم می‌آورند.

اما اینکه سانسور چه معنایی دارد دارای چه اقسامی است و با چه روش‌هایی اعمال می‌شود سوالاتی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. ارزش این مقاله از آن جهت است که خواننده را با مفهوم سانسور، مصادیق، انواع و روش‌های آن آشنا می‌نماید و امکان ورود به این عرصه و قضاوت در این زمینه را فراهم می‌سازد. به طور خلاصه باید گفت سانسور یک نوع نظارتی است که عمدتاً توسط مقام‌های موثر و صاحب نفوذ صورت می‌گیرد و از جهات مختلف قابل تقسیم می‌باشد. این عمل دارای روش‌هایی است که عمده‌ترین آنها روش پیشگیری و روش پیگیری است.

واژه‌های کلیدی: سانسور، آزادی بیان، کتب ضلال، ممیزی

\* این مقاله مستخرج از رساله دوره دکتری می‌باشد که از حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی برخوردار بوده است.

\*\* دانش آموخته مقطع دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۱/۱۳

## سانسور در ادبیات

### ۱. مفهوم سانسور در لغت

واژه سانسور فرانسوی است ولی در فارسی با مترادف‌هایی چون ممیزی، تفتیش عقاید، نظارت، ارزیابی و قضاوت به کار رفته است. در بعضی کتاب‌ها نیز مهار خود، انتقاد و بازرسی برابر آن نهاده شده است. در زبان عربی اصطلاح رقابہ را به کار می‌برند (خسروی، ۱۳۷۸، ۱۰). در ذیل برخی از این معانی آورده می‌شود و سپس کلیه تعاریف مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در لغت نامه دهخدا، سانسور به عنوان ممیزی و تفتیش مطبوعات، مکاتیب و نمایش نامه‌ها معنا شده است. این کلمه در زبان فارسی با پسوندهای معینی چون کرده، شده و چی به صورت زیر می‌آید: سانسور کرده، سانسور شده و سانسورچی (دهخدا، ۸).

سانسور در دایره المعارف فارسی مصاحب چنین تعریف شده است: تفتیش پیش از انتشار کتابها، جراید، نمایشنامه‌ها و امثال آنها و نیز تفتیش نامه‌های خصوصی و جز آنها قبل از رسیدن آنها به مقصد، تفتیش نطق و بیان قبل از ایراد آنها، به منظور حصول اطمینان از اینکه مندرجات آنها مضر به اخلاق عمومی یا منافع دولت و یا دستگاه حاکمه نیست. سانسور ممکن است به وسیله مقامات دولتی یا دینی و گاه به وسیله مقتدر و متنفذی اعمال شود (مصاحب، ۱۳۴۹).

معنای سانسور در دایره المعارف کتابداری به گونه‌ای مشابه موارد مذکور آمده است. «سانسور به معنای تلاش حکومت، سازمانهای خصوصی، فرد یا گروه است برای جلوگیری از خواندن، دیدن و شنیدن آنچه تصور می‌رود برای حکومت یا اخلاق عمومی خطرناک و زیان بار باشد» (خسروی، ۱۳۷۸، ۱۴).

ظ

### ۲. نشانه سانسور در ادبیات

یکی از نشانه‌هایی که در نوشتارها مشاهده می‌شود این علامت است [...] این نشانه مرکب از دو علامت سجاوندی دیگر است: [] و ... برای شناخت یک علامت مرکب نیازمند شناخت هر دو جز تشکیل دهنده آن هستیم.

۱. ... : سه نقطه یا نشانه تعلیق برای نشان دادن ناتمام ماندن عبارت یا حذف پاره‌ای از سخن منقول در آغاز، میانه، یا پایان سخن به کار می‌رود و این نشانه آن است که نویسنده نقل قول را از میان مأخذ برگزیده، یا در میانه آن پاره‌ای را که به کار او نمی‌آمده و موجب تطویل کلام می‌شده، حذف کرده و یا آن که نقل قول در متن اصلی همچنان ادامه داشته است (رضایی نژاد، ۱۳۸۱، ۱۸)

۲. [] : این علامت که قلاب یا گروه خوانده می‌شود، عموماً در متون پژوهشی کاربرد داشته و در موارد زیر به کار می‌رود: اضافات، توضیحات و توضیحات حاشیه‌ای ناقل در درون مطلب منقول. (همان، ۱۹)

متون کهن همگی فاقد علائم ویراستارانه بودند. بنابراین عمر این دو علامت، به زحمت به نیم قرن می‌رسد و حاصل تدوین شیوه‌نامه‌ها برای ویراستاری متون هستند.

نویسندگان متون کهن اگرچه با این علائم ناآشنا بودند اما در عین حال در برخی موارد از واژه های مخففی چون «والخ»، «غیره»، «ایضاً»، «هکذا» و «بر این سیاق» سود می جستند. این واژه ها مخفف همان کاربرد نشانه های تعلیق را بر عهده داشتند (همان، ۲۰).

بعد ها و پس از ورود صنعت چاپ در برخی از متون چاپی، نوعی ویراستاری سلیقه‌ای به چشم می خورد. کاربرد نشانه تعلیق در این متن‌ها، پیش از آن که بر اساس قواعد ویراستاری باشد، نوعی کاربرد اخلاقی داشت. بی تردید منشأ علامت مورد بحث ما، یعنی [...] به همین کاربرد اخلاقی باز می گردد. نقطه چین در چاپ‌هایی از هزلیات عبید زاکانی، سعدی، سوزنی سمرقندی، ایرج میرزا ده عشقی، نشانگر حذف واژه یا عبارتی رکیک و نشانه رکاکت طبع سراینده یا نویسنده بود.

به تدریج نشانه [...] از ترکیب دو علامت سجاوندی ... و [،]، که یکی بر حذف و دیگری بر دخالت استوار بود بوجود آمد و بدین ترتیب به یک نشانه کاربردی بدل شد. حال سؤال این است که این علامت از نشانه‌های سلبی است یا ایجابی؟

علاماتی به ما می گویند می توانیم از این مسیر برویم و ما را راهنمایی می کنند و علاماتی ما را از رفتن نهی می - کنند. حال [...] به ما چه می گوید؟ آیا ما را از خواندن نهی می کند؟ یا آن که به شکل دیگر به خواندن شکلی مغشوش و معیوب دعوت می کند؟ به تعبیر دیگر [...] یک دال است و هر دال لزوماً یک محتوا یا مفهوم ذهنی، به عنوان مدلول دارد. اکنون پرسش اساسی این است که مدلول [...] چیست؟ و به کدام مفهوم ذهنی ارجاع می دهد؟ به نظر می رسد پیام تلویحی این نشانه آن است که هر جا این نشانه ظاهر می شود، یعنی آنچه درون [...] است، از نظر نویسنده مدلولی ندارد و قابل خوانش نیست و شاید بتوان گفت آنچه این علامت در پی آن است چیزی نیست جز سکوت سخن یا همان سانسور.

### تعریف حقوقی سانسور

موریس گارسون تعریفی حقوقی از سانسور دارد با این بیان که سانسور: «حقی است که حکومت برای اعمال نظارت بر نشریات، خارج از مداخله دادگاه ها برای خود قائل می شود» (محسنیان، ۱۳۷۱، ۵).

در تعریف دیگر می خوانیم:

«سانسور به معنای بررسی کتاب ها، روزنامه ها، نمایشنامه ها، فیلم ها، نامه ها و غیره به دستور حکومت یا فرد صاحب اقتدار پیش از اجازه انتشار، نمایش یا توزیع آن هاست» (معمدنژاد، ۱۳۸۷، ج ۱، ۲۰۹).  
و در دایره المعارف بزرگ شوروی می خوانیم:

«سانسور نظارتی است که از سوی مقامات رسمی دینی و غیر دینی بر مطالب، نشر و توزیع مواد چاپی، اجرای نمایشنامه ها و آثار نمایش، نمایشگاه های نقاشی، عکاسی، فیلم، رادیو، تلویزیون و گاه مکاتبات خصوصی به منظور پیشگیری یا تحدید اشاعه اطلاعات مضر و نامطلوب، از دیدگاه مقامات مربوط، اعمال می شود» (خسروی، ۱۳۷۸، ۱۱).

سانسور را به گونه های دیگر که تا حدودی مشابه تعاریف مذکور هستند تعریف نموده اند، از جمله: «سانسور، تحدید بیانی است که تهدیدی بر آیین دینی، سیاسی و اجتماعی پذیرفته شده در زمانه تلقی می شود و نگاهی از بیرون به این پدیده است(همان ص ۱۲).»

و به نظارت بر آنچه مردم ممکن است بگویند، بشنوند، بنویسند، بخوانند، ببینند و اجرا کنند سانسور گفته می شود، این نظارت از سوی یک دولت یا گروههای اجتماعی اعمال می شود و می تواند بر کتابها، روزنامه ها، مجلات، فیلمها، برنامه های رادیو و تلویزیون، سخنرانیها و هنر اثر بگذارد(همان ص ۱۳).

برخی پارافراتر نهاده و دامنه تعریف را این گونه توسعه داده اند. «هرگونه سیاست یا روش که نه تنها اعمال بلکه انگیزه های اعمال بشر را در عقائد، اندیشه ها، احساسات و سایر مکنوناتش با نوعی محدودیت روبرو بسازد(آذرنگ، ۱۳۷۴، ۸۸).»

یکی از تعاریفی که قابل توجه است تعریفی است که در کتاب سانسور به عنوان تعریف پیشنهادی ارائه شده است و در ذیل می آید.

«سانسور ایجاد هر گونه اخلاص نظام مند و آگاهانه در فرایند ارتباط از مرحله شکل گیری معنا و هدف در فرستنده تا پدید آمدن معنا در گیرنده است(خسروی، ۱۳۷۸، ۲۰).»

تحلیل تعاریف ارائه شده

در تحلیل تعاریف مذکور نکات زیر به دست می آید.

۱. سانسور یک نوع نظارتی است که توسط مقام های مؤثر و صاحب نفوذ مثل دولت یا مقامات دینی و یا گروه های مؤثر صورت می گیرد.
۲. سانسور با اهداف جلوگیری از آسیب های اجتماعی و اخلاقی و سیاسی انجام می شود.
۳. تکیه اصلی تعاریف بر ممیزی و نظارت پیش از انتشار است نه بعد از آن و نظارت به شیوه سلبی است نه ایجابی.
۴. از آنجا که نظارت پیش از انتشار است، در حیطه مسئولیت دولت است نه قوه قضاییه.
۵. در بعضی از تعاریف سعی بر احصاء موضوعات شده است ولی با این حال جامعیت لازم را دارا نمی باشد مثلاً سانسور رایانه ای را یادآور نشده اند.

در کلیه تعاریف سانسورچی ها و ممیزان مصلحانی معرفی شده اند که با تشخیص سره از ناسره جلوی گمراهی و کجروی اندیشه افراد جامعه را می گیرند.

## مصادیق و انواع سانسور

بعد از تعریف، ضروری است مصادیق و محورهای کلی محدودیت هایی که در فقه و حقوق برای بیان، مشخص شده مورد بررسی قرار گیرد. طرح این بحث از دو جهت قابل توجه است. یکی از جهت موضوع شناسی و دیگری از جهت

مبنا شناسی. موضوع شناسی به این معنا که وقتی از سانسور و محدودیت های آزادی بیان سخن به میان می آید موضوع سانسور باید مشخص شود. با بیان مصادیق و محورهای کلی ممنوعیت ها و محدودیت های رسانش پیام موضوع این بحث کاملاً تبیین می گردد که امری کاملاً ضروری است.

اما از جهت مبنا شناسی، باید گفت مبانی فقهی و حقوقی سانسور دو دسته اند، یک دسته مبانی عام، که به توجیه کلی سانسور می پردازد و یک دسته مبانی خاص که مبنای هر کدام از محدودیت ها را مورد بحث قرار می دهد. از آنجا که هر کدام از مصادیق سانسور توجیه خاص خود را دارند و به تعبیری مبانی خاصی دارند، لازم است قبل از تبیین مبانی، مصادیق مشخص شوند تا پس از آن به مبانی هر کدام از این مصادیق پرداخته شود. در این بخش ابتدا تمام مصادیق سانسور که در فقه و قوانین موضوعه اعم از قوانین بین المللی، قانون اساسی و قوانین عادی و غیره آمده است احصاء شد. و سپس آنها را در محور های کلی تری درجه بندی می کنیم. و در این درجه بندی مباحث نزدیک به هم را به صورت زیر مجموعه های یک محور ارائه می نماییم و بدین وسیله راه را برای بررسی مبانی هر کدام از این محورها هموار می نماییم.

### الف - مصادیق سانسور در فقه اسلامی:

قبل از هر چیز باید گفت که این بحث تحت عناوین مختلف در کتب مربوطه آمده است، عده ای آن را تحت عنوان «مستثنیات آزادی بیان» (ایازی، ۲۳۳) آورده اند. عده ای آن را تحت عنوان «مصادیق کلی پیامهای ممنوع (قانع، ۹۵)» و عده ای نیز با عنوان «انواع محدودیت ها یا حدود فعالیت های رسانه ای» (انصاری، ۱۳۸۶، ۱۷۱) و در بعضی کتب از آن با نام «انواع سانسور» یاد شده است.

در یک استقرای کلی می توان مصادیق سانسور را در فقه شیعی به شرح زیر معرفی نمود:

۱. بدعت و کتبی که در بدعت در دین نوشته شده است مثل جبر، امامت ثلاثه و کتب خوارج.
۲. کتب کفر.
۳. کتب سحر، شعبده، کهانت و قیافه.
۴. اخبار و شعر کاذب (از مصادیق ضلال یا حداقل ملحق به کتب ضلالند).
۵. کتابت غیبت، تهمت و شعر باطل.
۶. تورات و انجیل (البته فقهای معاصر قائل به حرمت نیستند).
۷. کتب فلاسفه مبنی بر قدم عالم و عدم معاد. کتب بت پرستان و منکران خدا.
۸. کتب فلسفی که در آنها شبهات عقلی در مبدأ، معاد و مغالطات علمی در توحید و غیر آن مطرح شده است و نیز کتاب هایی که به معاصی، فسق و مفساد اخلاقی تشویق می کند.

۹. کتب تعلیم قمار و غنا.

۱۰. کتب فحش، هجو و مسخره.

۱۱. برخی کتب حکمت و عرفان.

۱۲. کتب بابیه و بهائیه.

یکی از محققین در این زمینه، محورها و زیر محوره‌های سانسور را به شرح ذیل معرفی فرموده است (قانع، ۱۳۸۵،

۹۶-۹۸).

۱. کذب (که شامل الف: افترا بر خدا و رسول، افتای به غیر علم، توجیه صرفاً عقلانی آیات و روایات، تفسیر به رأی، التقاطی اندیشیدن، قیاس در دین، تفسیر به رأی آیات، بدعت در دین ... ب: کذب نسبت به افراد عادی، خبر و وعده و قسم دروغ، ج: تحریف کلام خدا و رسول و یا کلام انسان های عادی می شود).

۲. هر نوع پیام موجب تعاون بر انجام حرام های شرعی (مثل سحر، کهانت، شعبده، تشبیب، هجاء، نیمه، غیبت، قیافه، قمار، تدلیس، ...)

۳. هر نوع تحریک جنسی از راه بیان (قولی یا تصویری) زنان و یا اوصاف آنها (تشبیب)، وصف آلات جنسی و عورات زن و مرد، ترویج بی بند و باری جنسی از راه هایی مثل معرفی مراکز فحشا، نشر و پخش گفت و گوهای عاشقانه و خصوصی زنان و مردان که تنها در خلوت و میان زن و شوهر شرعی انجام می شود و به طور کلی پخش و انتشار هر نوع مطلب خلاف عفت عمومی.

۴. پیام حاوی کفر و انکار اصول و احکام ثابت دین، رد امامت ائمه اطهار (ع)، انکار امام زمان (عج) اثبات جبر و رد اختیار، مخالفت با احکامی مثل قصاص و ارتداد، ایجاد شبهات در عقاید مردم، طرح مطالبی که یقین مردم را ضعیف می سازد؛ همانند ترویج تفکر سکولاریسم، قرائت های مختلف از دین، نسبیّت معرفت، مخالفت بی دلیل با دیگر احکام شریعت، کتمان حقایق، مقابله و اهانت و توهین به شعایر و ارزش های دینی و ...

۵. هر نوع پیام حاوی توهین و دشنام، استهزا به خدا و رسول و امامان و بندگان مؤمن خدا.

۶. افشای اسرار (نوشتن و گفتن اسرار فردی و گروهی و اسرار حکومت اسلامی و ...)

۷. ایجاد رعب و هراس و ناامیدی بی دلیل در دل افراد، القای بی خیالی و ایجاد تجری در افراد نسبت به گناهان و ...

۸. به کارگیری شیوه مغالطات (حیله های ناصحیح انتقال پیام) به جهت رسیدن به مقاصد گمراه کننده و گمراهی.

دیگران هم تحت عناوینی مشابه، مصادیق سانسور را آورده اند. و گفته اند: «بی گمان آزادی بیان مانند بسیاری از ارزش ها و حقوق مطلق نیست و مواردی وجود دارد که طبق رهنمود شرع و عقل موجب محدودیت آزادی می گردد ... تقریباً در میان عقلاء موارد ذیل ناقض آزادی محسوب می شوند.

۱. تشییع و رواج فساد و فحشاء.

۲. آتھام اخلاقی و جنسی.

۳. توهین و تمسخر اشخاص و دست اندازی به حیثیت مردم.

۴. توهین به مقدسات و تمسخر مذاهب، عقاید و شخصیت های مورد احترام مذهبی.

۵. افشای مسائل امنیتی.
۶. اخلال در امنیت و ایجاد وحشت و اضطراب در مردم.
۷. افترای به خداوند(ایازی، ۱۳۷۹، ۲۳۳).»

## ب- مصادیق سانسور در حقوق موضوعه

اگر حقوق موضوعه را اعم از حقوق بشر، اسناد بین المللی و حقوق داخلی کشور مثل حقوق اساسی و قوانین عادی بدانیم مصادیق محدودیتها به قرار ذیل خواهد بود:

### ۱. محدودیتها در اسناد بین المللی:

- عدم تعرض به حقوق و حیثیت دیگران.
- عدم تهدید امنیت ملی، نظم و اخلاق عمومی.
- عدم تبلیغ برای جنگ و خشونت.
- عدم تبلیغ بر نفرت های ملی، مذهبی و نژادی.

### ۲. محدودیت در قانون اساسی:

- عدم اخلال به مبانی اسلام.
- عدم اخلال به حقوق عمومی.

**دو نکته:** در این جا برای روشن شدن بیشتر بحث لازم است به دو نکته اشاره شود،

**نکته اول** آنکه چون اعلامیه حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به تأیید و تصویب دولت ایران رسیده است (این اعلامیه ها و اسناد در اردیبهشت ۱۳۵۴ بدون قید و شرط به تصویب مجلس رسیده است) ، در حکم قوانین عادی کشور هستند (به موجب ماده نه قانون مدنی و اصل ۷۷ قانون اساسی) و محدودیت هایی که در اینگونه اسناد بین المللی مورد توجه قرار گرفته اند محدودیت های آزادی بیان در جمهوری اسلامی هم محسوب می شوند.

**نکته دوم** اینکه ممکن است گفته شود تمام محدودیت های مطرح شده در اسناد بین المللی مصادیق اخلال به حقوق عمومی است که در قانون اساسی آمده است.

آنچه گذشت نشان از آن دارد که این محدودیتها کلی هستند و نیاز به تفصیل دارند. قانون اساسی تفصیل آن را در اصل ۲۴ به عهده قانون گذاشته است اما آیا تفصیل این محدودیتها را قانون مشخص کرده است؟

### ۳. محدودیت ها در قوانین عادی

به نظر می رسد تفصیل این موارد را در چند جا بتوان بدست آورد. اگرچه ابهامات زیادی باقی می ماند که این مقاله گنجایش پرداختن به آنها را ندارد اما این تفصیل را می توان در پیش نویس های قانون اساسی که در «مشروح مذاکرات مجلس نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» آمده است و نیز قانون مجازاتها و جرائم مطبوعاتی بدست آورد.

در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی آمده است:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخالف استقلال یا عفت عمومی یا توهین به مقدسات و شعائر اسلامی و حیثیت اشخاص بوده باشد. حدود این امور و جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون مشخص می کند(اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۴ ص ۱۷۲۶)»

علاوه بر این در بررسی جنبه های کیفری آزادی بیان، نقض حدود آزادی بیان در مواردی جرم تلقی شده و مستوجب مجازات و منشأ ایجاد مسئولیت کیفری است که این جرائم عمدتاً به دو بخش تقسیم می شوند.

#### ۱. جرائم علیه اشخاص ۲. جرائم علیه امنیت

جرائم علیه اشخاص عبارتند از: افشای اسرار حرفه ای، قذف، افتراء و نشر اکاذیب، توهین و هجو، سوگند و شهادت دروغ و نهایتاً تهدید. اما جرائم علیه امنیت شامل: خیانت به کشور از طریق تسلیم اسرار و اسناد دولتی و نظامی، جاسوسی، اهانت به مقدسات و برخی مقامات سیاسی، تبلیغ به نفع گروه ها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو، اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد بر هم زدن امنیت کشور که روشن است که اعم از گفتاری و نوشتاری است(ر-ک به کاتوزیان، ۲۴۶-۲۲۱).

سومین منبعی که می توان برخی از تفصیلهای اخلاص به مبانی اسلامی و حقوق عمومی را بدست آورد قانون مطبوعات است که جرائم مربوطه که همان نقض محدودیتهای آزادی مطبوعات است از آن بدست می آید این جرائم عبارتند از: جرائم علیه اشخاص و جرائم علیه امنیت و منافع عمومی. جرائم علیه اشخاص عبارتند از:

افتراء از طریق مطبوعات - توهین مطبوعاتی - تهدید.

اما جرائم علیه امنیت و منافع عمومی عبارتند از:

افشای اسرار دولتی و نظامی - تحریک به ارتکاب جرم علیه امنیت کشور - توهین به مقدسات یا مقامات سیاسی و مذهبی - انتشار مطالب و صور منافی عفت.

چنانکه ملاحظه می شود برخی از جرائم مطبوعاتی با جرائم کیفری مشترک هستند.

#### ۲. انواع سانسور:

آنچه در بالا ذکر شد نمونه ها و مصادیق سانسور یا محدودیت های آزادی بیان بود. برای تبیین دقیق تر مبانی هر کدام از آن ها ضروری است، آنها را به صورتی جامع و مانع دسته بندی کرده و موارد مشابه را تحت یک عنوان کلی در



آورده تا امکان بررسی مبانی آنها ایجاد شود. سانسور را از جهات مختلف دسته بندی نموده اند که عمده ترین آن ها دسته بندی به لحاظ موضوع به لحاظ اهداف و به لحاظ مراجع سانسور کننده است. دسته بندی به لحاظ موضوع: سانسور را به لحاظ موضوع به سانسور دینی سانسور اخلاقی و سانسور اجتماعی و سیاسی تقسیم کرده اند. این یکی از دسته بندی های مرسوم است که در ذیل مورد بحث قرار می گیرد:

#### ۲-۱. سانسور دینی:

منظور از سانسور دینی، اخلال در ارتباط در زمینه مسائلی است که به عنوان تکلیف و ارزش از سوی ادیان برای مؤمنان بیان شده است.

«این محدودیت ها فراتر از مقوله اخلاق و مصالح جمعی و ملی است و اختصاص به مکاتب و ادیان دارد. هر مکتب دینی مبتنی بر یک رشته مبانی و مقدساتی است که نه تنها پیروان خود را ملزم به رعایت آنها می کند، بلکه آزادی اهانت به آنها را به دیگران هم نمی دهد(قدردان قرا ملکی، ۱۳۸۲، ۱۷۳).»

مصادیق این نوع سانسور در کتب علمای شیعه معمولاً در بحث کتب ضلال آمده است. قابل ذکر است بحث کتب ضلال بیشتر از ناحیه حفظ و نگهداری و خرید و فروش مورد بررسی قرار گرفته است و در کتب مکاسب محرّمه آورده شده است.

با توجه به این که برخی موارد این محدودیت ها به عنوان مصادیق سانسور اخلاقی به آن اشاره شد بقیّه موارد که می توان آنها را در ذیل سانسور دینی آورد به قرار ذیل است:

۱. بدعت و کتبی که در بدعت دین نوشته شده است. مثل: جبر، امامت ثلاثه و کتب خوارج و گروه های ضالّه مثل: بهائیت و بابیه.
۲. انتشار و حفظ کتب کفر
۳. انتشار کتب سحر، شعبده، کهانت و قیافه
۴. کتب تعلیم قمار و غنا

قابل ذکر است که هر کدام از این موارد در جای خود مورد بحث قرار می گیرد و دیدگاه های مختلف فقهاء در خصوص آنها آورده می شود.

با مراجعه به قانون و با توجه به مصادیق سانسور در قوانین مادر و سایر قوانین عمده موردی که در خصوص سانسور دینی می توان بدان اشاره کرد، اخلال به مبانی اسلام است. البته این که اخلال به مبانی اسلام چیست مطلبی است که باید در جای خود مورد بحث قرار گیرد.

#### ۲-۲. سانسور اخلاقی:

«اولین محدده عرصه آزادی بیان، مسائل اخلاقی است، همانطور که عقل انسان، آزادی بیان را جزء حقوق طبیعی او تلقی می کند، عقل عملی نیز تأیید آن را منوط به عدم معارضه با اصول و مبانی اخلاقی می داند. به این معنا که آزادی بیان جزء حقوق اولیه انسان است که کسی نمی تواند جلو آن را سد کند مگر اینکه موجب اختلال در اصول اخلاقی و انسانیت انسان گردد» (قدردان قرا ملکی، آزادی در فقه و حدود آن، ۱۳۸۲، ۱۶۸).

در تاریخ اندیشه یکی از مطرح ترین ممیزی ها، ممیزی اخلاقی بوده است. و امروزه نیز درباره آن بحث های زیادی می شود (خسروی، ۱۳۷۸، ۷۶).

اما آیا می توان در این عرصه میزان و مناطی ارائه کرد که بتوان غیر اخلاقی بودن یک نوشته یا فیلم یا ... را با آن سنجید و حکم به سانسور آن داد؟ این عیار و مناط همواره مورد بحث بوده است. در طی بحث ها و مبارزاتی که بر ضد این نوع آثار شده است سعی کرده اند به تعاریفی دست یابند. در یکی از دادگاه ها ملاک هرزه بودن یک اثر را پاسخ مثبت به این پرسش دانسته اند که «آیا قصد اثر تباهی و فساد است؟» و محک سنجش جنبه اخلاقی آثار ادبی را در این دانستند که «آیا پدر خانوار، می تواند آن متن را با صدای بلند در بین اعضای خانواده اش بخواند؟ (خسروی، ۱۳۷۸، ۷۶)»

اما آیا اینها می توانند معیارهای مناسبی باشند؟ به نظر می رسد این معیارها مشکلاتی را برای بعضی از آثار برجسته ادبی مثل مثنوی مولوی پدید آورد. چون در این کتاب گرانسنگ تمثیلاتی وجود دارد که اگر جدا از متن اصلی دیده شود قطعاً هرزه و قبیح تلقی خواهد شد. اما به توجه به مقدمات و نتایج، قضاوت درباره آنها متفاوت خواهد بود (نک به همان).

در خلال بحث هایی که در این زمینه صورت گرفته است می توان به معیارهای زیر دست یافت که البته هر کدام خود جای بحث دارد.

۱. قصد تباهی و فساد در اثر
  ۲. قصد تحریک اشتباهی جنسی خواننده
  ۳. کلیت اثر و وجه غالب اثر تحریک کننده، اغوا کننده و فساد آور باشد
  ۴. اهانت آشکار به ارزشهای اجتماعی روزگار خود از طریق توصیف و بیان مسائل جنسی
  ۵. فاقد ارزش اجتماعی بودن اثر.
- با تتبع در قوانین و کتب مربوطه می توان به موارد ذیل به عنوان مصادیق سانسور اخلاقی اشاره کرد. ۱. تهمت ۲. توهین ۳. فاش کردن اسرار افراد ۴. بدگویی و غیبت ۵. ترویج فساد و فحشاء ۶. نشر اکاذیب ۷. سب، هجو و قذف

### ۲-۳. سانسور سیاسی و اجتماعی:

یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی بیان، محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی است. «به این معنا که اگر آزادی بیان شهروندان موجب اخلال در حقوق و مصالح عمومی و جامعه گردد تحدید می شود. زیرا زندگی جمعی و اجتماعی، همچنان که برای افراد آن منافع و مصالحی دارد، طبعاً برخی از حقوق فردی آنان را نیز مقید می کند. برای حفظ نظم و جلوگیری از اغتشاش باید حقوق فردی و محدوده‌های آن کاملاً تعریف گردد (قدردان قرا ملکی ۱۳۸۲ - ص ۱۷۲)». این اصل تا آنجا مورد اتفاق حقوقدانان و فلاسفه سیاسی است که کسی چون «جان استوارت میل» آن را در تعریف آزادی لحاظ کرده است آنجا که می گوید:

«آزادی عبارت است از این که هر انسانی بتواند مصلحت خویش را به شیوه مورد نظر خود دنبال کند، مشروط به این که به مصالح دیگران آسیبی نرساند (استوارت میل، جان - ۱۳۸۵ ص ۵۰)».

در برخی از کتب حقوقی از این محدودیت تحت عنوان امنیت ملی نام برده اند و یادآور شده اند که امنیت ملی از آن جهت اهمیت بسیار دارد که بستر لازم برای تأمین دیگر امنیت‌ها و شکوفایی حقوق و آزادی‌های اساسی را فراهم می آورد و اهمیت آن به اندازه ای زیاد است که در صورت تعارض با دیگر حقوق و آزادی‌های شهروندی، آنها را محدود می کند و دلیل آن ضرورت و لزوم امنیت و نظم برای ساختن یک مردم سالاری پایدار و زنده است (ر-ک به انصاری، ۱۹۵).

«با توجه به پیچیدگی و گستردگی مسائل سیاسی و اجتماعی و نقش اساسی آن در زندگی جمعی انسان، اغلب ممیزی‌ها در این حوزه اعمال می شود یا به نوعی با آن در ارتباط است. ضرورتها و نکات بسیاری وجود دارد که ممیزی به استناد آنها صورت می گیرد. یکی از مهمترین آنها «حفظ امنیت ملی و مصالح عمومی» است و بسیاری از تحدید آزادی‌های انسانی با تمسک به این اصل اعمال می شود. این اصل از حفاظت اسرار نظامی و اطلاعات استراتژیک که به حق باید محفوظ بماند آغاز می شود و تا حد کوچکترین انتقاد به دولتمردان و عملکرد دولتها تنزل می یابد (خسروی، ۱۳۷۸، ۷۳)».

اما مصادیق امنیت ملی و مصالح عمومی یا به تعبیری مصادیق سانسور سیاسی و اجتماعی کدامند؟ و کدامیک از محدودیت‌های آزادی بیان در ذیل این نوع سانسور قرار می گیرد.

با بررسی و مطالعه قوانین و کتب تدوین شده در این زمینه شاید بتوان موارد ذیل را از مصادیق این نوع سانسور به شمار آورد که البته قبل از آن باید گفت که جرائم علیه امنیت و مصالح عمومی به دو شاخه جرائم علیه امنیت خارجی و امنیت داخلی تقسیم می شود اما مصادیق (برای تفصیل بیشتر ر-ک به کاتوزیان و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۳۵ و انصاری، ۱۳۸۶، ۱۹۶) عبارتند از:

۱. خیانت به کشور از طریق تسلیم اسرار و اسناد دولتی و نظامی
۲. جاسوسی
۳. اهانت به مقدّسات یا برخی مقامات سیاسی

۴. انتشار اطلاعاتی که خطر جدی برای وحدت و یکپارچگی کشور داشته باشند
۵. انتشار اطلاعاتی که موجب شورش و اغتشاش در کشور شود
۶. تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام .

### تقسیم سانسور به لحاظ اهداف:

اعمال و استیفای حق آزادی بیان گاهی با حقوق دیگر فرد و اجتماع تعارض پیدا می‌کند. اینجاست که ادیان و حکومت‌ها برای حل این تعارض و حمایت از حقوق دیگر بر اساس اولویت بندی و تقدم و تاخر حقوق اقدام به محدود سازی آزادی بیان و به تعبیری سانسور می‌نمایند. کلیه حقوق و منافع های زندگی بشر که در معارضه با استیفای حق آزادی بیان قرار می‌گیرند به سه دسته کلی تقسیم می‌شود و سانسور حمایت کننده و تامین کننده این حقوق و مصالح فردی و اجتماعی می‌باشد. این سه حق یا منافع عبارتند از دین و اعتقادات افراد - حریم خصوصی و حرمت افراد و امنیت ملی.

#### ۱- حریم خصوصی و حرمت افراد

با آنکه کلمه «حریم خصوصی» در زبان محاوره و نیز مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی مکرر استعمال می‌شود ولی هنوز تعریف یا تحلیل واحدی از آن‌ها ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی ریشه‌های عمیقی در مباحث جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در مورد اینکه چگونه در فرهنگ‌های مختلف برای آن ارزش قائل شده‌اند دارند (انصاری، ۱۳۸۶، ۲۱۳).

با این حال امروزه آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، خلوت و تنهایی، کنترل بر اطلاعات شخصی، آزادی از نظارت‌های دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت از تفتیش‌ها و تجسس‌ها را شامل می‌شود همچنین حریم خصوصی حقی است نسبت به زندگی کردن با میل و سلیقه خود و با حداقل مداخله ورود دیگران، حقی است که بر اساس آن اشخاص می‌توانند یقین کنند که دیگران تا چه اندازه می‌توانند به لحاظ کمیت و کیفیت اطلاعاتی درباره آنان داشته باشند (همان).

از سوی دیگر یکی از اهداف حقوق تامین امنیت است. این امنیت هم شامل اموال می‌شود و هم اشخاص. در مورد اشخاص، حقوق باید از ورود دو دسته آسیب‌ها جلوگیری کند و در صورت لزوم، متجاوز را به مجازات‌های کیفری یا جبران خسارت‌های وارد آمده محکوم سازد. آسیب‌های فیزیکی که به جسم یا تمامیت جسمانی افراد وارد می‌شود و آسیب‌های غیرفیزیکی یا معنوی که به آبرو و حیثیت وارد می‌شود. هدف قواعد حاکم بر هتک حرمت دفاع از آبرو و اعتبار اشخاص و پیشگیری از ورود آسیب‌های اخیر و واکنش در برابر تجاوز به تمامیت معنوی انسان‌هاست (همانص ۳۵۹).

#### ۲- سانسور و حمایت از امنیت ملی

یکی از اهداف و وظایف اساسی حقوق، تامین و تضمین امنیت در جامعه است.

حکومت‌ها باید امنیت مالی و جانی اشخاص را در روابط مختلف فردی، گروهی و ملی تامین کنند. در این میان امنیت ملی اهمیت بسیار دارد زیرا بستر لازم برای تامین دیگر امنیت‌ها و شکوفایی حقوق و آزادی‌های اساسی را فراهم می‌آورد و اهمیت آن به اندازه‌ای زیاد است که در صورت تعارض با دیگر حقوق و آزادی‌های شهروندی، آن‌ها را محدود می‌کند. همان‌طور که برخی صاحب‌نظران گفته‌اند در صورتی که سطح معقولی از امنیت در جامعه وجود نداشته باشد آن جامعه نمی‌تواند از حقوق مدنی و سیاسی شهروندان خود پاسداری کند. امنیت و نظم برای ساختن یک مردم سالاری پایدار و زنده، لازم و ضروری است.

پرواضح است که برخی اقدامات و انتشارات مخالف امنیت ملی است که ضروری است مراجعی باشند تا بر اساس معیارهای مشخصی، اطلاعات مرتبط با امنیت ملی یا اقدامات مخالف با امنیت ملی را تشخیص دهند، آن‌ها را طبقه بندی نموده و از دسترس رسانه‌ها دور نگه دارند و یا رسانه‌ها را از پخش و نشر آن بر حذر دارند.

این در حالی است که گاهی حفظ امنیت ملی بهانه‌ای می‌شود که به طور کامل آزادی‌های اساسی را حذف کنند. اینجاست که بررسی مبانی محدودیت‌های آزادی بیان در بخش امنیت ملی اهمیت قابل توجهی پیدا می‌کند.

### ۳- سانسور و حمایت از دین و باورهای دینی

دین یکی از پنج مصلحت اساسی است که یکی از اهداف قوانین و مجازات‌های اسلامی حفظ آن است. از سوی دیگر گفته‌اند توحید حق انسانی است و درست است که نمی‌توان کسی را مجبور به قبول عقاید اسلامی کرد و چنین عقیده‌ای ایمان به دنبال نخواهد داشت، اما چگونه می‌توان از حقوق جامعه دفاع نکرد و افراد را برای تبلیغ و ترویج عقاید ضد دینی و توحیدی آزاد گذاشت؟

لذا سانسور و منع آزادی بیان در جایی که به توحید منتهی می‌شود دفاع از حق انسانی جامعه است. به تعبیر دیگر دفاع از حق فطری انسان ایجاب می‌کند که مانع اخلال و اضلال عقاید صحیح و سالم شویم.

این در حالی است که اعتلای فکر بشری هم به حدی نرسیده است که مطالعه‌کننده و تحقیق‌کننده از اطلاعات کافی و فکری نافذ برخوردار باشد و در آزادی مطلق بیان، هیچ مشکلی پیش نیاید. واقعیت آن است که چه در شرق و چه در غرب تعداد کسانی که درجه آگاهی و اطلاعات و اقتدار فکریشان به درجه‌ای رسیده باشد که هر چه بیان می‌کنند از روی محاسبه دقیق معرفتی باشد، بسیار کم است. لذا اگر گفته‌ها و نوشته‌ها کنترل نشود اثرات سوء آن‌ها همچون آتشفشان بر سر مردم ناآگاه فرود می‌آید (رجوع شود به جعفری محمدتقی - مقایسه نظام حقوق بشر با اسلام - بخش آزادی عقیده).

با نگاهی به بحث کتب ضلال در فقه اسلامی و نیز قانون اساسی و قوانین عادی کشور درمی‌یابیم که یکی از اهداف مهم این احکام و قوانین حفظ دین بعنوان یکی از مصلحت‌های اساسی زندگی بشر و باورها و اعتقادات توحیدی به عنوان

یکی از حقوق فطری آن هاست. البته قضاوت در این خصوص کار ساده‌ای نیست و تعیین دقیق مرزها به مطالعاتی عمیق و اجتهادی نیاز دارد.

### **تقسیم سانسور به لحاظ مرجع سانسور کننده**

به این لحاظ سانسور را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کنند:

۱- سانسور قانونی

۲- سانسور غیرقانونی

در سانسور قانونی، اعمال سانسور به اجازه قانون انجام می‌گیرد و گاه کاملاً صریح و علنی و گاه نیمه صریح و نیمه علنی یا پنهانی است. در سانسور قانونی، معمولاً دستگاه‌ها یا نهادهای دولتی عمل سانسور را انجام می‌دهند. نمونه بارز سانسور در زمان جنگ است که گاه کاملاً رسمی و علنی و بدون تعارف و پرده پوشی است. چون مصالح جنگ اقتضا می‌کند که دشمن نتواند از اطلاعات سودمند سوء استفاده کند. دولت خود را مجاز می‌داند که در سیر داد و گرفت هرگونه پیغامی مداخله کند تا هیچ نکته مغایر با مصالح نظامی کشور مخبره نشود (آذرنگ، ۸۹).

اما سانسور غیر قانونی معمولاً زمانی صورت می‌گیرد که دولت غیرمشروع و غیرقانونی سرکار باشد دولت از قانون اساسی کشور عدول و تخطی کرده باشد و گروه‌های غیرقانونی، ذی نفوذ، فشار با بخش‌هایی از خود دولت یا گروه‌ها، افراد و دسته‌های دیگری در جامعه تعارض داشته باشد و حضور و فعالیت‌های آنان را با مصالح خود مغایر بدانند. سانسور غیرقانونی، خطرناکترین و زیانبارترین نوع سانسور است. ظلمانی‌ترین و دردناک‌ترین دوره‌های تاریخ سانسور مربوط به اعصاری است که سانسور غیرقانونی در هیات قانون، یا در لوای توجیه و تفسیر و تغییری خاص، سیرطبیعی اندیشه را آماج حملات خود قرار داده است (همان).

### **روش‌های سانسور**

اعمال سانسور به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد که عمده‌ترین آن‌ها سانسور پیش از انتشار (پیشگیرانه) و سانسور پس از انتشار (پیگیرانه) می‌باشد. به تعبیر دیگر در زمینه مقررات و موازین مربوط به چگونگی کنترل انتشار مکتوبات دو نظام عمده وجود دارد. یکی نظام تامینی یا پیشگیری و دیگری نظام تنبیهی یا تعقیبی. علاوه بر این می‌توان به دو روش دیگر هم اشاره کرد که به نحوه اعمال سانسور بر می‌گردد و آن دو روش عبارتند از: روش آشکار و غیر آشکار.

**سانسور پیش از انتشار (نظام تامینی یا پیشگیری)**

آنچه امروز تحت عنوان ممیزی از آن یاد می شود همان سانسور پیش از انتشار است. که گروهی یا دستگاهی مسئولیت نظارت پیش از انتشار را بعهده دارند. «در این شیوه از سانسور به ویژه زمانی که مبتنی بر قانون نباشد و سلیقه-ای عمل شود بیشترین ضربه را بر روند ارتباطات و رشد اندیشه وارد می کند. در سانسور پیش از انتشار گاهی فقط بعضی از قسمت های کتاب حذف می شود که به آن سانسور سلیبی گفته می شود و گاهی هم ممیزان تنها به حذف اکتفاء نمی کنند بلکه دستور می دهند که بعضی مطالب موافق نظر خودشان بر آن افزوده شود یا تغییر یابد که به آن سانسور ایجابی گفته می شود (خسروی، ۵۳).»

در این نظام ایجاد و انتشار مطبوعات نیاز به دریافت امتیاز و کسب مجوز دارد و قانون گذار شرایط خاصی را برای فرد متقاضی پروانه نشریه وضع می کند که معمولاً با محدودیت همراه است و حتی ممکن است تنها به کسب اجازه قبل از انتشار از یک سازمان خاص دولتی خلاصه نشده، و شامل سانسور پیش از انتشار و پرداخت ودیعه مالی یعنی سپردن مبلغی پول به حساب دولت برای گرفتن جواز انتشار نیز بگردد.

در این نظام کنترل بیشتری در امر انتشار مطبوعات اعمال می شود و به منظور اعطای مجوز، هر آنچه درباره واجدان شرایط لازم است، از جمله نوع نشریه و موضوع و نوع مطالبش از قبل مشخص می شود و حتی صاحب امتیاز و مدیر مسؤول موظف است پیش از انتشار، نسخه هایی از آن را به مرکز کنترل نشریات ارسال کند تا اگر در آن ها مطلبی خلاف مقررات باشد از انتشار آن جلوگیری شود (صالحی انصاری، ۱۳۸۵، ۴۹).

در کشورهای دارای نظام قدرت گرا، مانند کشورهای استبدادی قدیم که هیات های حاکمه آن ها از آزادی های سیاسی بیمناک بودند، تاسیس و انتشار روزنامه ها و مجله ها تابع « نظام تامینی، احتیاطی یا پیشگیری » است. به این معنا که در این کشورها برای مقابله با فعالیت مطبوعاتی افراد و نیروهای سیاسی مخالف و پیشگیری از انتقادهای افشاگری های آن ها، ایجاد روزنامه ها و مجله ها به کسب اجازه قبلی و دریافت امتیاز موکول می شود. به این ترتیب، معمولاً مطبوعات در اختیار افراد یا گروه های « مورد اعتماد » حکومت قرار می گیرند. دریافت ودیعه مالی از مؤسسان روزنامه ها یا مجله ها از جمله شرایط تکمیلی اجازه قبلی انتشار مطبوعات به شمار می رود (معمدنزاد، ۱۳۸۷، ۲۸).

### سانسور پس از انتشار:

این سانسور یک نوع دخالت قضایی است که عمدتاً توسط هیأت منصفه صورت می گیرد. در این شیوه از سانسور، معیارها و ضوابط برای انتشار از سوی قوه مقننه اعلام می گردد که تخلف از آن قابل پی گیری قضایی است.

«اگر این نوع سانسور منطبق با قوانین و مقررات برخاسته از نهاد های قانونگذار باشد، نه تنها موجب توقف ارسال پیام نمی شود، بلکه سبب می شود که از سوء استفاده از آزادی جلو گیری و حریم آزادی ارتباطات پاس داشته شود. گاهی این شیوه توسط دولتها بدون اتکاء به قانون و توسط گروه های فشار اعمال می شود که سانسور وسیعی را در تولید پیام پدید می آورد. (خسروی، ۱۳۷۸، ۵۴)»

در این نظام به مطالب نشریه پس از انتشار توجه می شود. البته ناشران باید قبل از انتشار نشریه از طریق اطلاعیه ای قصد خود را به عموم مردم برسانند و یا نام خود و مشخصات خود و نشریه مورد نظرشان را در جایی ثبت کنند. این امر

تنها جهت کسب مجوز و امتیاز فعالیت نمی باشد، بلکه بدین سبب است که اگر پس از انتشار تخلفی صورت گرفت یا نشریه شاکی پیدا کرد، فرد مسؤول را تحت تعقیب قرار دهد.

انتشار مطبوعات در نظام تعقیبی سهل تر است و هر کس - به جز محرومان از این حق اجتماعی، طبق رای دادگاه صالح - حق دارد در هر زمانی نشریه مورد نظرش را منتشر کند، البته این آزادی مطبوعات استثنایی دارد.

این امور استثنایی به شرایط زمانی و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی روز مربوط می شود. امکان دارد در زمانی که کشور در حال جنگ می باشد یا مقررات حکومت نظامی حکم فرماست یا حالت فوق العاده ای در کشور در حال رخ دادن است، و به طور مثال، منطقه ای از کشور دچار آشوب یا ادعای استقلال دارد یا درگیری قومی یا مذهبی و دینی در جریان است، محدودیت هایی در زمینه انتشار نشریات اعمال شود تا به این نابسامانی ها دامن زده نشود. در واقع این آزادی به علت مذکور محدود می گردد و مقررات ویژه ای وضع می شود که البته موقتی است و باید با رفع مشکل و غایله مورد نظر، منتفی گردد.

محدودیت آزادی مطبوعات در نظام تنبیهی، گاهی به وضعیت خاص نشریه مربوط می شود. این وضعیت خاص ممکن است به خاطر مخاطبان نشریه باشد؛ برای مثال نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، که قانون گذار با توجه به سن مخاطبان کنترل بیشتری روی آن ها دارد، حق درج مطالبی را درباره خشونت و سکس ندارند (صالحی انصاری، ۱۳۸۵، ۴۹).

در کشورهای دارای نظام آزادی گرا، برای تاسیس و انتشار مطبوعات از «نظام تعقیبی و تنبیهی یا پیگیری» استفاده می شود. به عبارت دیگر در این کشورها هیچ گونه محدودیتی (جز در موارد استثنایی پیش بینی شده در قوانین) برای تاسیس و اداره مطبوعات وجود ندارد و افراد و شرکت ها جمعیت ها می توانند با آزادی کامل و یا تنها تسلیم اعلام نامه یا تقاضای ثبت، روزنامه ها و مجله های مورد نظر خود را منتشر کنند.

قوانین مطبوعاتی این کشورها در عین آزاد گذاشتن انتشار روزنامه ها، با در نظر گرفتن مصالح و منافع واقعی مردم، محدودیت های مطبوعات را در چاپ برخی از اخبار - به ویژه در زمینه هایی که به استقلال و نظم و امنیت ملی، آسایش و سلامت، اخلاق حسنه و عفت عمومی و حیثیت و زندگی خصوصی افراد، لطمه وارد شود - پیش بینی می کنند و پس از انتشار روزنامه ها، در صورتی که مغایر قانون در آن ها وجود داشته باشد و به عبارت دیگر هرگاه جرم مطبوعاتی وقوع یابد، از طریق دادگاه های عادی و اغلب با حضور هیات منصفه، مورد تعقیب و رسیدگی قرار می گیرد و متخلفان تنبیه و مجازات می شوند (معتمدنژاد، ۱۳۸۷، ۲۸).

نظام مورد پذیرش در حقوق ایران: با نگاهی به قانون اساسی در می یابیم که «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند.» از مفاد این اصل دو قاعده برای تضمین آزادی بیان و نشر استفاده می شود: ۱- اصل باحه و آزادی بیان و استثنایی بودن بیان ممنوع ۲- پذیرش قانون به عنوان مرجع تمیز استثنا. از جمع دو قاعده نیز استفاده می شود که قانون باید امری را منع کند و دادگاه صالح برای قضاء درباره این گونه امور نظری به داوری بنشیند. در نتیجه منع بدون رسیدگی در دادگاه و بوسیله مقام های اداری با مفاد اصل ۲۴ ق.ا مخالف است.

لازمه رسیدگی قضایی به نوشته هایی که در معرض اتهام اخلاص به مبانی اسلام یا حقوق عمومی است، برداشتن هرگونه سانسور پیش از انتشار است که در بسیاری از اعلامیه های حقوق بشر و قوانین اساسی آمده است. بدین سان الزام



مطبوعات به اخذ مجوز انتشار و همچنین سانسور مطالب قبل از انتشار با اصل آزادی مطبوعات مخالف است و باید کنار نهاده شود. خود قانون اساسی در اصل بیست و پنجم به مناسبتی از ممنوعیت سانسور سخن گفته است. اتفاقاً قانون اساسی برای به موقع به اجرا گذاردن عینی و واقعی نظام تنبیهی مقرر کرده است که «تفصیل» موارد مخالفت مطبوعات با مبانی اسلام و حقوق عمومی را قانون عادی تعیین کند تا نتوان با اتکا به این قیود مجمل و مبهم آزادی مطبوعات را از میان برد. معهذاً، متأسفانه قوانین مربوط به تعیین جرایم مطبوعاتی از صراحت و دقت لازم در این مورد برخوردار نیستند. در رابطه با احزاب و سایر موارد مذکور در اصول ۲۶ و ۲۷ نیز با اتکا به استدلال‌های مشابه باید بر آن بود که از نظر قانون اساسی تشکیل آن‌ها نیازمند کسب مجوز نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۱۲۳).

## ۲. سانسور آشکار و غیر آشکار:

اخلال از نظر آشکار بودن یا نبودن هم باید مورد توجه قرار بگیرد. در تعاریف کلاسیک سانسور، بیشترین اشاره‌ها به نوع آشکار سانسور به ویژه در مرحله رمزگذاری و ارسال از طریق مجراهای ارتباطی شده است اما همیشه سانسور به شکل آشکار و شفاف اعمال نمی‌شود و فقط نیز در رمزگذاری و مجراها به کار نمی‌رود.

پیشرفت علوم در نامحسوس کردن سانسور نقشی به سزا دارند. هر چه زمان پیشتر می‌رود سانسور کنندگان با استفاده از دانش به دست آمده در حوزه‌های مختلف سعی در اعمال نامحسوس آن در تمامی مراحل حتی در مرحله شکل‌گیری معنا در ذهن گیرنده و فرستنده دارند.

در حوزه روان‌شناسی اجتماعی مبحثی به نام تصورات قالبی مطرح است. تصویر قالبی به هر نوع باور تصمیم‌یافته و اغراق‌آمیز و اغلب نادرست درباره گروهی از مردم گفته می‌شود این تصورات قالبی موجب اخلال شدید در روند ارتباطی می‌شود. این تأثیر بر ذهنیت فرستنده و هم‌گیرنده تأثیری تعیین‌کننده دارد (ریتال انکینسون، ۱۳۷۰، ج ۲، ۴۸۹).

البته این تصورات قالبی که موجب اخلال در ارتباطات می‌شوند زمانی سانسور تلقی خواهند شد که مکاتب و ایدئولوژیها و حکومتها سعی داشته باشند که چارچوب‌های تغییر ناپذیری را در اذهان پدید آورند.

اما اگر تصورات قالبی در سیر طبیعی زندگی روزمره حاصل شود اخلال ایجاد شده سانسور محسوب نمی‌شود.

تصورات قالبی به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که از آن جمله است:

۱. ایجاد مدارس حزبی و نخبگان

۲. استیلای فرهنگی

۳. علم ایدئولوژی شده

۴. ایجاد الگوهای خاص فکری و مصرفی از طریق تبلیغات

اصولاً در نظامهای ایدئولوژیکی ایجاد مدارس حزبی و نخبگان در جهت قالب بندی فکری دانش آموزان شکل می‌گیرد. سازمانهای اطلاعاتی کشورهای دموکراتیک با صراحت تمام بر این اعتقادند که باید فرد را در حدی کنترل کرد که خلاف میل باطنی خود و حتی تمام قوانین طبیعت عمل کند (و-ف. کانل - تاریخ آموزش و پرورش، ۱۳۶۸، ۵۳۷).

علاوه بر ایجاد مدارس حزبی و نخبگان، استیلای فرهنگی هم موجب قالب ریزی می‌شوند استیلاگران فرهنگی با عملی قهرآمیز علیه فرهنگ مورد استیلا باعث می‌شوند که آنان اصالت خود را از دست بدهند و قالب ریزی شوند. این

استیلای فرهنگی منجر به بی اصالتی فرهنگی جامعه تحت تسلط می شوند و نتیجه آن وابستگی و از خود بیگانگی است به گونه ای که استیلاگران می گویند و استیلاشوندگان می پذیرند. بدون شک اینگونه تغییرات در نگرشها، باورها و پیش فرض های ذهنی که آگاهانه و به طور نظام مند ایجاد شده اند نوعی اخلال از پیش تعریف شده را در ارتباطات ایجاد می کند که باید به آن سانسور یا خود سانسوری بگوییم. البته چون این نوع اخلالها به صورت پیچیده ایجاد می شود این توهم را بوجود می آورد که آیا سانسوری اتفاق افتاده یا خیر؟

سومین شیوه ای که آن هم شکلی کاملاً پیچیده دارد علم ایدئولوژی شده است. ما در جهانی زندگی می کنیم که حتی علم هم بی طرف نمانده است بلکه «سوگیرانه» عمل می کند. به قول یورگن هابرماس، علم و عالمان هیچ کدام بی طرف نیستند. این علم ایدئولوژی شده چنان اخلالی را در فهم واقعیات پدید آورده و چنان خودسانسوری را باعث شده که فن منبعث از آن تا آن حد خطر آفرین شده است که عده ای نگران پدید آمدن نوعی تکنوفاشیسم از نوع ۱۹۸۴ اورول هستند. ظهور وسائل ارتباط جمعی نیز یکی از عواملی است که به روند قالب سازی و اخلال در باورها و نگاه جامعه بشری کمک می کند. در دوره فعلی عده ای با استفاده از قدرت جادویی این وسائل موفق می شوند توده ها را تحت تأثیر قرار دهند، از تنوع حیات انسانی بکاهند و الگوهای خاص فکری و مصرفی پدید آورند. عصر مصرف گرایی، پیدایش مصرف تظاهری و امحامی حریم زندگی شروع شده است. با فنونی چون تبلیغات تجاری فرا آگاهی با برجسته سازی آگاهی های تجاری از طریق ارسال آنها از لا به لای پیامهای خبری بسیار با اهمیت، موجبات مسخ انسان ها و همچنین بلع مطالب را فراهم می آورد. بلعی که نباید گزینش و هضمی در پی داشته باشد. این تحمیلها در نبود اندیشه و انتخاب انسان به موجودی از خود بیگانه و در بهترین حالاتش به قول مارکوزه به انسانی تک ساختی مبدل می کند. این اجبار و این نسخ ایجاد شده که می تواند عامل خودسانسوری عمیقی شود، به نوعی با آموزش و تبلیغات در ارتباط است (رجوع شود به خسروی، ۲۵-۲۸).

تبلیغاتی که می توان از آن به دروغ، تحریف، فریب، دستکاری، جنگ روانی و شستشوی مغزی نام برد و در تعریف آن گفته اند: تلاشی سنجیده و منظم برای شکل دادن به ادراکها، ساختن یا دستکاری شناختها و هدایت رفتار برای دستیابی به یک پاسخ که خواسته مورد نظر مبلغ را تقویت می کند.

تبلیغات یک جهان روانی- سیاسی می سازد و هر که به آن بپیوندد عالمی از نو می آفریند. معنای این پیوند هم آن است که فرد خویش را در آن عالم ساکن می کند و به عنصری بلا اراده مجبور در عالمی که ساکنش کرده اند، بدل می شود.

بیهوده نیست که عده ای از اندیشمندان تبلیغات را تلاشی در جهت اشاعه افکاری فاقد حقیقت و دقت یا مخدوش کردن واقعیت ها یا نوعی ترفند لفظی و پشت هم اندازی که باعث می شود افراد دچار توهم شوند و آن را حقیقت تصور کنند دانسته اند (اسدی، ۱۳۷۱، ۱۹۳-۱۹۴).

علاوه بر سانسور پیشگیرانه و پیگیرانه و نیز سانسور آشکار و غیر آشکار شیوه های متعدد دیگری برای اعمال سانسور وجود دارد که برخی از آن ها عبارتند از:

۱- سانسور بعد از توزیع، که بر مبنای آن نسخه های توزیع شده جمع آوری و ضبط می گردند.

۲- دستورالعمل های حکومت درباره شیوه ارائه برخی اخبار و مطالب

- ۳- تهیه فهرست متن ها یا موضوعات ممنوع شده.
- ۴- بازرسی پیام های ارسالی بوسیله نمایندگان خبری خارجی پیش از مخابره و انتقال آن ها.
- ۵- ممنوعیت به توقیف و یا نابود کردن نشریات، فیلم ها یا موارد وارداتی دیگر.
- ۶- تعطیل، ممنوعیت یا توقیف تاسیسات و تجهیزات مطبوعات یا رادیو و تلویزیون.
- ۷- تحریم آثار برخی مولفان و مصنفان یا ممنوعیت بعضی از دست نویس ها.
- ۸- تدوین فهرست آثار ممنوع شده.
- ۹- اخراج افراد از سازمان های حرفه ای نویسندگان و روزنامه نگاران و محروم کردن آنان از امکان انتشار آثار و گزارش ها. بدیهی است وجود چنین تصمیم ها و اقدام هایی، معمولاً باعث خود سانسوری روزنامه نگاران و نویسندگان هیات های تحریریه می شود. در بسیاری موارد تمام این تصمیم ها و اقدام ها یا برخی از آن ها، درباره تئاتر، سینما، موسیقی، هنرها، برنامه های رادیویی و تلویزیونی و فعالیت های فرهنگی دیگر نیز اعمال می شوند. (معمد نژاد، ۱۳۸۷، ج ۱، ۲۱۳)

### نتیجه گیری

سانسور از نگاه اندیشمندان دارای تعاریف متعددی است که همه آنها در چند چیز با هم مشترکند. اول آنکه سانسور یک نوع نظارتی است که توسط مقام های مؤثر و صاحب نفوذ صورت می گیرد. دوم آنکه اگر چه سانسور بار معنایی منفی دارد و ذهن ها از آن گریزان است اما اگر درست معنا شود و مرزها و شیوه های آن درست تبیین گردد می تواند مانعی برای جلوگیری از آسیب های اجتماعی، اخلاقی و سیاسی به حساب آید. و سوم آنکه، تکیه اکثر تعریف های ارائه شده بر سانسور و ممیزی پیش از انتشار است نه بعد از آن و این بدان معناست که در سانسور دستگاه اجرایی ایفای نقش میکند نه دستگاه قضایی.

اما در خصوص مصادیق و انواع باید گفت: با بررسی کتب فقهی و حقوقی مصادیق زیادی یافت می شود که می تواند موضوع سانسور قرار گیرند و حکومت در خصوص آنها محدودیت هایی را اعمال کند. که این موضوعات از جهاتی قابل تقسیم هستند که نگارنده سه مبنا را برای تقسیم این موارد انتخاب کرده است. یکی تقسیم سانسور به جهت موضوع دوم تقسیم سانسور به جهت اهداف و سوم تقسیم سانسور به جهت مرجع سانسور کننده است و در مورد روش های سانسور هم باید گفت روش های زیادی برای اعمال سانسور وجود دارد که عمده ترین آنها روش پیشگیری و پی گیری و نیز روش آشکار و غیر آشکار است. اگر در جامعه ای با روش پیشگیری سانسور صورت بگیرد مشکلات زیادی در عرصه دستیابی جامعه به حق آزادی بیان بوجود می آید و به نظر می رسد بتوان با آنچه در قانون اساسی و قوانین عادی آمده است، اصل عدم چنین سانسوری را اثبات نمود.

## منابع

۱. آذرنگ، عبدالحسین، فصلنامه رسانه تابستان ۷۴ ش ۲، و تابستان ۷۱.
۲. استوارت میل، جان، رساله درباره آزادی، مترجم جواد شیخ الاسلامی چاپ پنجم شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۵ ش.
۳. اسدی، علی، افکار عمومی و ارتباطات، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۱ ش.
۴. انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۶ ش.
۵. ایازی، سید محمدعلی، آزادی در قرآن، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۹ ش.
۶. جعفری، محمد تقی، مقایسه نظام حقوق بشر با اسلام.
۷. خسروی، فریبرز، سانسور، تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم، چاپ و نشر نظر، ۱۳۷۸.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۸، تهران مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، بی تا.
۹. رضایی راد، محمد رضا، نشانه شناسی سانسور و سکوت سخن، انتشارات طرح نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. ریتال، انکینسون، زمینه روانشناسی، ترجمه محمدتقی براهنی و دیگران، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۰ ش.
۱۱. صالحی انصاری، محمدجواد، دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. قانع، احمدعلی، محدودیت های پیام رسانی در قوانین دینی و بشری، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین جهانگیر منصور، نشر دوران، چاپ ششم، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. قدردان قراملکی، محمدحسن، آزادی در فقه و حدود آن، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. کاتوزیان، ناصر و همکاران، آزادی اندیشه و بیان، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲ ش.
۱۶. مصاحب، غلامحسین، دایره المعارف فارسی، تهران فرانکلین ۱۳۴۹.
۱۷. معتمدنژاد، محمدکاظم، حقوق مطبوعات، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، ۱۳۸۷ ش.

